

خبر

وزیر دفاع:

تفاه‌نامه مشترک دفاعی ایران و سوریه پابر جاست

■ ایسنا:وزیر دفاع در واکنش به تهدیدات اخیر رژیم صهیونیستی مبنی بر حمله به تأسیسات هسته‌ای کشورمان، اعلام کرد که هیچ‌گونه تردیدی در دفاع قدرتمندانه از منافع ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور نداریم. سرار سرتیپ پاسدار احمد وحیدی در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران در واکنش به تهدیدات اخیر رژیم صهیونیستی گفت: دفاع ما خودکام است و دستاوردهای اخیر نشان از خودکفایی ما در عرصه دفاع دارد. وی خطاب به دشمنان تأکید کرد: ما هیچ‌گونه تردیدی در دفاع قدرتمندانه از منافع ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی نداریم و آنها باید بدانند که با یک سد محکمی روبه‌رو هستند در خصوص دوستان نیز آنچه ما داریم، برای امنیت منطقه است.جمهوری اسلامی با توان بومی و دعوتی که برای کشورهای منطقه دارد منادی امنیت بشر است. منطقه بوده است. وزیر دفاع همچنین درباره دستاوردهای اخیر وزارت دفاع که فراموش‌نشدنی است، از آنها با حضور رییس‌جمهور انجام شده، اظهار کرد: هر کدام از این دستاوردها در جایگاه خود اهمیت ویژه‌ای دارند و مربوط به حوزه مشخصی هستند. به عنوان مثال موتور دریایی مربوط به حوزه دریایی یا خودرو مربوط به حوزه زمینی است. وی افزود: این اقدامات در مدت بسیار کمی به نتیجه رسید. در حوزه خمپاره‌انداز ۱۶۰۰ میلیمتری فقط چندین کشور می‌توانند آن را تولید کنند. این دستاوردها گوشه‌ای از دستاوردهای بخش دفاع است. خبرنگار دیگری با اشاره به تفاه‌نامه مشترک ایران با سوریه، خواستار توضیحات بیشتری از سوی وزیر دفاع شد که وی پاسخ داد: تفاه‌نامه مشترک ما با سوریه همچنان پابرجاست، البته دولت سوریه با گروه‌هایی مواجه است که به دنبال حرکت‌های تروریستی هستند. دولت سوریه تاکنون از ما در این خصوص درخواستی نداشته است. وحیدی در مورد ایجاد دو پایگاه فضایی در کشور نیز گفت: ایجاد پایگاه فضایی امام خمینی در دستور کار ما قرار دارد و امیدوارم تا پایان اسمال آن را افتتاح کنیم.

رییس سازمان انرژی اتمی:

زمان راه‌اندازی نیروگاه بوشهر پس از تست‌های ایمنی اعلام می‌شود

■ ایسنا:رییس سازمان انرژی اتمی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه نیروگاه بوشهر چه زمانی راه‌اندازی خواهد شد؟ گفت: هر موقع تست‌های مربوطه انجام شود و این تست‌ها ایمن باشند ما زمان راه‌اندازی نهایی را اعلام می‌کنیم و از شرکت روسی، پروژه را تحویل می‌گیریم. فریدون عباسی، دیروز در حاشیه جلسه هیات دولت همچنین در پاسخ به این سوال که آیا قراردادی برای ساخت نیروگاه و راکتور با کشورهای دیگر دارد؟ گفت: طبق قراردادهای قبلی ما تجربه‌ای لازم را در کار ساخت و بهره‌برداری یاد می‌گیریم و در قراردادهای آتی به کار می‌بریم. با کشورهایی که در این زمینه استاندارد لازم را داشته باشند و مورد تأیید آژانس باشند آماده همکاری هستیم. وی در پاسخ به این سوال که آیا امکان دارد که با ژاپن در این زمینه مذاکره شود؟ گفت: اگر آنها بخواهند با ایران کار کنند ما مشکلی از این بابت نداریم.

تعلیق ۴۵روزه تحریم آمریکا علیه ایران

■ تاناکا:وزارت دارایی آمریکا با انتشار بیانه‌ای در وبسایت این وزارت‌خانه، بخشی از تحریم‌های مصوب شده علیه ایران را به حالت تعلیق درآورد. این تعلیق به درخواست ۱۴ نماینده کنگره و سازمان‌های ایرانیان در آمریکا صورت گرفته است.آمریکایی‌ها به علیه ایران طبق قراردادهای قبلی ما تجربه‌ای لازم را در کار ساخت و بهره‌برداری یاد می‌گیریم و در قراردادهای آتی به کار می‌بریم. با کشورهایی که در این زمینه استاندارد لازم را داشته باشند و مورد تأیید آژانس باشند آماده همکاری هستیم. وی در پاسخ به این سوال که آیا امکان دارد که با ژاپن در این زمینه مذاکره شود؟ گفت: اگر آنها بخواهند با ایران کار کنند ما مشکلی از این بابت نداریم.

پیشگفتار

در مردادماه ۲۰۱۲ اعلام شد که گروه کشورهای تصمیم‌گیرنده در سازمان ملل متحد قصد دارند «براهیمی» را به جای «کوفی عنان» مامور میانجیگری در کشمکش‌های سوریه کنند. به گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی در پی شکست ماموریت کوفی عنان در کشمکش‌های مسلحانه سوریه محافل غربی نام براهیمی را به عنوان نامزد جانشینی وی به میان آوردند. اگرچه عنوان اصلی این ماموریت، نمایندگی سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب برای نظارت بر مسایل سوریه است، در عمل این ماموریت عبارت است از میانجیگری بیطرفانه میان قدرت‌ها یا گروه‌های درگیر در کشمکش‌های کنونی منطقه که در سوریه به نقطه نامناسبی رسیده است. در کشمکش‌های سوریه بدیهی است که اصل میانجیگری میان دولت و کسانی که از فرط چهل و تعصب برای رسیدن به «آزادی» از جنگل آن حال، به درگیری مسلحانه متوسل شدند و یک نارضایتی داخلی را تبدیل به یک رویارویی ژئواستراتژیک برخطر منطقه‌ای و حتی بین‌المللی می‌کنند، ماموریت بسیار دشواری است. ولی از آن دشوارتر انجام امر میانجیگری است با حفظ بیطرفی کامل آن گونه که مورد قبول همه طرف‌های درگیر در ماجرا باشد.

برای آشنایی بهتر با اهمیت این ماموریت، ضروری است که ابتدا با چگونگی‌های ژئوپولیتیکی مساله آشنایی حاصل شود که از درگیری‌های مسلحانه در سوریه پدید آمده و شرایطی آنچنان بغرنج را فراهم کرده است که سازمان ملل متحد را وادار می‌کند تا برای جلوگیری از به خطر افتادن صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی در نتیجه انفجار ژئواستراتژیکی آن مساله اقداماتی را برای میانجیگری در آن کشمکش‌ها آغاز کند. در نخستین اقدام، کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد بین سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۶، مامور این میانجیگری شد. او که یک شخصیت برجسته بین‌المللی است و از احترام و اعتبار شخصیتی فراوانی برخوردار بود و ثابت کرد که یک مقام بین‌المللی بیطرف به معنی حقیقی کلمه است، نتوانست از پس این ماموریت به خوبی برآید، ولی امروز برای جانشینی او از شخصیتی نام برده می‌شود که اگرچه محترم و صاحب اعتبار بین‌المللی است، ولی از والر شخصیتی برتری نسبت به او برخوردار نیست.

نگاهی به پیشینه ژئوپولیتیک شیعه در ایران

ژئوپولیتیک شیعه در ایران قرن شانزدهم و با ظهور شاه‌اسماعیل صفوی، باعث بازپیدایی کشور ایران شده و در مقام علت وجودی (raison d’ etre) کشور جدید ایران، وضعیت ژئوپولیتیکی خلافت اسلام را درگروگن کرد. دستپائی ایرانیان به استقلال جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و هویتی که تا سال ۸۸۰ هجری شمسی (۱۵۰۱) فرزند به تأخیر افتاده بود؛ سالی که نابغه ۱۵ساله، اسماعیل، فرزند حیدر، مشترک‌المنافع حکومت فدراتیو بزرگ ایران‌نو را بنیاد نهاد و برای نخستین بار در تاریخ اسلامی ایران، خود را «شاهنشاه» نامید و با این کار، دو جنبه ملوکوتی و سیاسی حکومت در ایران را بار دیگر در هم آمیخت. در اینجا باید توجه داشت که وازه شاه در ادبابت عرفانی ایران تنها به معنی رییس سیاسی کشور نیست، بلکه به برجستگان عالم عرفان ایرانی همانند شاه نعمت‌الله ولی و شاه‌صفی و غیره نیز اطلاق می‌شده است. امام نخستین شیعه حضرت علی بن‌ابی‌طالب(ع) که مقام ویژه‌ای در عرفان ایرانی دارد در همان بازتاب به عنوان «شاهمردان» معروف است و دیگر امامان شیعه نیز به این مقام خوانده شده‌اند چنان که در رابطه (رضایع) گاه به عنوان «شاه خراسان» یاد شده و در رابطه با امام غایب گاه از عنوان «شاهنشاه» استفاده شده است. به این ترتیب، هتنگامی که شاه‌اسماعیل ۱۶ساله خود را «شاهنشاه ایران می‌خواند، او هر دو مقام به‌برری عرفانی و سیاسی کشور ایران را در نظر داشت و این گونه بود که پس از ۹ قرن حکومت عربی و ترکی در قلات ایران، برای نخستین بار در تاریخ اسلامی این سرزمین، کشیک‌ها «ایران» دوباره زاده شد، حکومتی ایرانی در ایران بنا شد و ایرانی بودن، بر اساس ریشه‌های تمدن و هویت ایرانی، پای گرفت. این نابغه که‌مانند که در ۱۳سالگی، پیشاپیش ارتشی ۱۰هزارنفره از مرهان اهل خرد و عرفان درخشید، علو زمین را خیره کرده و در ۱۶سالگی کشور و هویت ایران را از دل تاریخ بیرون آورد و به آن واقعیتی جغرافیایی داد و ایران جغرافیایی را واقعیتی سیاسی بخشید.

سنی که در آن اسماعیل صفوی داعیه بازسازی کشور ایران را اسلاز کرد، سنن اسرارآمیزی است که در ژرفای عرفان ایرانی سن انسان کمال یافته یا «آدم قدیم» شناخته می‌شود. پس از فتح تبریز در سال ۸۸۰ هجری شمسی (۱۵۰۱ م) وی چنین سرود:

من امروز از آسمان به زمین فرود آمدم؛ منم سرور و شاهنشاه بدان به حقیقت که منم فرزند حیدر. منم فریبون، منم خسرو، منم جمشید و منم ضحاک، منم رستم پسر زال، منم اسکندر، سز اناالحق خفته است در این سینه من، چون منم حقیقت مطلق و حقیقت آن باشد که منم به سرانجام رانم.

با این سرود بود که نابغه ۱۶ساله صفوی، شاه‌اسماعیل، پادشاهی مستقل ایرانی خود را در ایران اعلام کرد و ژئوپولیتیک تمام‌عیار شیعه را دستمایه دوباره‌پیدایی ایران یکپارچه و مستقل و توقف تاخ و تـ ساز آل عثمان، به نام خلافت اسلام سنی، در نیمه خوری جهان اسلام قرار داد.

جمهوری اسلامی ایران و طرح ژئوپولیتیک شیعه

است که امروز سراسر خاورمیانه عربی و شمال آفریقا دچار تندباد تحول سیاسی شده است و نگرانی‌های ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک همه‌جانبه‌ای را میان حامیان رژیم اسرائیل در غرب دامن زده است. این وضع در حالی ژرفا گرفت که سران کشورهای عمده عربی، به‌ویژه در اردن هاشمی، مصر حسنی مبارک و عربستان سعودی تشویق شدند سود خود را در آن جست‌وجو کنند که به همه مسؤولیت‌های سیاسی، استراتژیک، اخلاقی و انسانی خود در قبال فلسطین و در برابر اسرائیل پشت پا زنند تا شرایطی فراهم شود که ایران آماج همه خشم و خشونت و همه دسیسه‌های ملت برانداز محور اسرائیل-ایالات متحده شود.

انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ با شعار «وحدت امت اسلامی» نظام حکومتی جدیدی را پایه‌گذارد که حکایت از پیدایش «یک ژئوپولیتیک اسلامی» در دنیای دگرگون‌شونده ژئوپولیتیک اواخر قرن بیستم را داشت. با این حال، حفظ دوام این حال، مخالفان غربی نظام اسلامی در نتیجه عبور از رفراندوم مشروعیت‌دهنده ملی، در عمل کشور ایران در تسلط حکومت اسلامی را نیز به صورت یک حکومت یا کشور ملت پایه nation state حفظ کرد. با این حال، مخالفان غربی

نظام اسلامی شعارها را بهانه طرح ادعا قرار دادند که ایران اسلامی، در اندیشه ایجاد برتری در خاورمیانه عربی، با استفاده از جغرافیای «هلال شیعی The Shiite Crescent»، سرگرم واقعیت

بخشیدن به «ژئوپولیتیک شیعه» در جهان اسلام است. **پیدایش فرضیه ژئوپولیتیک شیعه** اندر چگونگی پیدایش فرضیه ژئوپولیتیک شیعه در عصر حاضر شایان توجه است که: نقطه اصلی ایده «ژئوپولیتیک شیعه» در قرن بیست و یکم ابتدا در محافل اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا بسته شد. گراهام فولر Graham Fuller، رییس بخش ایران در سازمان تجسمی سی‌آی‌آی (سیا = CIA)، در کتابی که در سال ۱۹۹۱ به نام «قبیله عالم: ژئوپولیتیک ایرانی» منتشر کرد، با بهره گرفتن از یک اصطلاح تشریفاتی از ایران قاجاری: روزگاری که خرافه‌پرستی در اوجش بود، ژئوپولیتیک شیعه را عبارت از تلاش ایران در جهان معاصر برای تبدیل شدن به «قبیله عالم» یا مرکز سیاسی جهان فرض کرده است.

فرد دیگری از اتریش که عضو پژوهشی اطلاعات و امنیت اتحادیه اروپا بود، به نام والتر پوش Walter Posch، با تألیف کتاب «چالش ایرانی» در سال ۲۰۰۶ کوشید در یک تصویرسازی منفی، حوظلبی‌های ایران در رویارویی با زورگویی‌های «نظام نوین جهانی» ایالات متحده را نشان دهد. او در خاورمیانه را به حساب زیاده‌خواهی‌های ژئوپولیتیکی ایرانی برای تبدیل شدن به مرکز جهان سیاسی یا «قبیله عالم» بگذارد. وی در مقدمه‌ای بر کتاب یادشده ادعا کرد که ایران از دید روانشناختی ملی دچار مشکل است: منسکی که با هیچ یک از دسته‌بندی‌های معمول

روانشناسی سیاسی ملته‌ها هم‌تنگی ندارد. نگارنده از همان سال ۲۰۰۶ طی نوشته‌هایی در مطبوعات داخلی و خارجی نسبت به این توطئه هشدار دادو یادآور شد که کسانی در غرب به خود اجازه دارند که بحث تسعیع سیاسی را در راستای اشکال ژئوپولیتیک مطرح سازند که نه‌تنها در این راستا تبحری ندارند، بلکه این میح را آگاهانه وسیله چهره‌پردازی‌هایی منحرف در شناخت اهمیت «انقلاب اسلامی» و نظام حکومتی حاصل آن در ایران قرار می‌دهند.

در نوشته‌ای در اطلاعات بین‌المللی- چاپ لندن- نگارنده موارد زیر را در رد ادعای

محور اسرائیل- اردن- عربستان سعودی و مصر حسنی مبارک در زمینه‌فعال شدن «ژئوپولیتیک شیعه» برای ایجاد سروری ایران بر خاورمیانه عربی مطرح کرد در این نوشته که خلاصه آن در زیر آمده است، یادآوری شد:

آنچه مورد غفلت این دسته از «پران‌شناسان» غربی است اینک:

انقلاب اسلامی ایران بر اساس

انگیزه‌های بازگشت به اصول اسلامی روی داده و نظام اسلامی حاصل آن در ایران پیگیر اصول اعتقادی اصلی اسلام است آن‌گونه که شعبه‌گرایی را در آن محلی از بحث بر جای نمی‌ماند. به این ترتیب، آنچه در این سناریوسازی مورد‌توجه نبوده و نیست تطبیق دادن تئوری‌های ناشی از خیالپای است با واقعیت‌های علمی و عملی که در این رابطه قابل تطبیق نیستند، چراکه:

۱- اگرچه ایران کشوری است عمدتاً شیعی مذهب و حاکمانش بیشتر از شیعیان‌اند، نظام حکومتی ایران ناشی از یک انقلاب بر ارزش‌های اصول اسلامی می‌تست است که میان همه شعبات و شاخه‌های اسلام عموکیت دارد.

۲- عراق کشوری است که اکثریت قاطع مردم آن شیعی‌مذهب‌اند؛ ایالات متحده آن کشور را اشغال کرد تا با انتقال قدرت از اقلیت به اکثریت، دموکراسی را در آن کشور ایجاد کند. اما سران شیعی عراق با تشکیل یک نظام حکومتی (سکولار secular) در آن کشور موافقت کردند؛ به این ترتیب، معلوم نیست در این حقایق، چه نکته‌ای می‌توان پیدا کرد. دل آنکه دو کشور شیعی ایران و عراق می‌خواهند هالای ژئوپولیتیک به وجود آورند علیه شرق مسلمان غیرشیعی و غرب نومحافظه‌کار و صهیونیستی، آن‌گونه که واشنگتن را از دموکراسی‌سازی در عراق پشیمان کند.

۳- سوریه اساساً یک کشور سنی‌مذهب و یک حکومت سکولار یعنی است. درگیری سوریه در مسایل لبنان و فلسطین ناشی از این حقیقت است که دمشق می‌کوشد

سیاست

میانجیگری در ژئوپولیتیک جدید خاورمیانه

پیروز مجتهدزاده*

تا با توسل به وسایلی که تجاوزکاری‌های اسرائیل در منطقه فراهم می‌کند، بلندی‌های جولان را، همراه با دیگر سرزمین‌های اشغال‌شده عربی، آزاد کند. به این ترتیب، بدیهی است که همکاری سوریه با ایران و یساری دادن به حماس و حزب‌الله جنبه‌ای تاکتیکی‌س دارد برای حل مشکلات سرزمینی. به گفته دیگر، سوریه را نمی‌توان با هیچ‌انگیزه جسدانده‌ای به یک ژئوپولیتیک شیعی چسباند.

۴- در حالی که حزب‌الله لبنان یک حزب رسمی در کشوری است که اکثریت جمعیت مسلمانش شیعی‌مذهب‌اند، حماس حزبی رسمی است در کشور سنی‌مذهب فلسطین: هر دوی این احزاب به یک اندازه برای آزادی سرزمین‌های فلسطینی با اشغالگران می‌جنگند و هر دوی آنها متهم‌اند که به یک اندازه از سسوی ایران حمایت می‌شوند. به این ترتیب، معلوم نیست چگونه حمایت ایران از یک گروه که تصادفاً شیعی مذهب است به حساب گرایش‌های «هلال

شیعی» گذاشته می‌شود، ولی حمایت ایران از حماس سنی‌مذهب نمی‌تواند به همان حساب گذاشته شود؟

در نوشته‌های یادشده در رد فرضیه «ژئوپولیتیک شیعه» از سوی محور اسرائیل- اردن- سعودی نگارنده تأکید کرده است که ژئوپولیتیک شیعه، در سراسر تاریخ ایران منحصر و محدود است

به ابتکار حیرت‌انگیز شاه‌اسماعیل صفوی در رسمیت

بخشیدن به تشیع در ایران به عنوان عامل آیکونوگرافیک iconographic شکست‌ناپذیری که نه‌تنها از پیشرفت سیاسی عثمانی در خاور جهان اسلام به بهانه «خلافت اسلامی» جلوگیری کرد، بلکه «کشور» و «هلت» ایران را پس از قرن‌ها «تبدون» از دل تاریخ بیرون کشیده و واقعیت جغرافیایی- سیاسی پرخروش و پایان‌ناپذیری داد.

ولی تئوری‌ها به عمل درآمد

هر دو تئوری فرضیه‌سازان یادشده در بالا مورد انتقاد فراوان صاحب‌نظران و چالش حضوری نگارنده در محافل علمی بین‌المللی قرار گرفت و ظاهراً از تاثیرگذاری فکری بر جوامع خاورمیانه افتاد، ولی این تمهت‌ها در خاورمیانه عربی جدی گرفته شد بیشتر به این دلیل که طرح فرضیه ژئوپولیتیک‌موفق شیعه هم‌زمان بود با شکست ژئوپولیتیک سعودی در زمینه انتشار وهابی‌گری در شبه‌قاره هند، افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز، در حالی که اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی- اروپایی منجر به انتقال قدرت در آن کشور به اکثریت شد که از مذهب شیعه است. این رویدادها رهبران سعودی را نسبت به افسانه هلال شیعی و حساس و آنان را تشویق کرد که به محور اسرائیل- اردن- مصر حسنی مبارک- ایالات متحده نزدیک کند و این‌گونه بود که اسرائیل با استفاده از همکاری‌های اردن هاشمی توانست شکاف ژئوپولیتیکی بزرگی را در جهان اسلام تدارک بیند.

نگارنده در یک برنامه بحث زنده در یکی از تلویزیون‌های فارسی‌زبان اروپایی (مورخ پنجشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۰) افشا کرد که ایده ژئوپولیتیک شیعه از سال ۲۰۰۴ توسط ملک عبدالله اردن شروع شده بود، در سال ۲۰۰۶ در دیدار آپهود اولمرت Ehud Olmert: نخست‌وزیر وقت اسرائیل از اردن، به ابتکار مشترک آن دو و به کمک حسنی مبارک، رییس‌جمهور مصر و ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی این ایده در سطح گسترده‌ای در جهان تبلیغ شد. هدف از پیشبنهاد این طرح و تلاش برای اقلیت‌دان به آن ایجاد این شبهه در جهان بوده است که ایران در یک طرح ژئوپولیتیکی در نواری هالای شکل در خاورمیانه می‌خواهد با استفاده از جوامع شیعی مذهب در استان‌های حصا و طیفی در عربستان سعودی و شیعیان کشورهای بحرین، عراق، سوریه و لبنان، تشیع را بر تسنن در جهان اسلام چیره کند و هال شیعه را مستقیماً رودروى ژئوپولیتیک وهابی‌گری، از یکسو و ژئوپولیتیک اسرائیلی در خاورمیانه عربی، از سوی دیگر قرار دهد.

اگرچه تشیع ریشه‌های ژرفی در ایرانیت و هویت ملی ایران دارد و نیروی نگا‌دارنده اصلی ایران در ۱۴ قرن اخیر محسوب می‌شود و اگرچه ژئوپولیتیک شیعه در موردنظر در منطقه جمهوری اسلامی ایران حاصل انقلاب اسلامی است که از سال ۱۹۷۹ بر اساس بازگشت به مکتب و مفاهیم اولیه و عمومی اسلام در ایران به قدرت رسید و تاکنون نشانه‌ای دیده نشد که دلالت بر گرایش‌هایی داشته باشد در پیگیری رقابت‌های قدرتی در جهان اسلام بر اساس باورهای ویژه عقیدتی- سیاسی شیعه یا شعبه‌گرایی در اصول اجرایی سیاست‌های خارجی آن.

با همه این احوال، عربستان سعودی که تا اوایل دهه ۲۰۰۰ شاهد شکست خوردن ژئوپولیتیک وهابی‌گری در افغانستان و پاکستان و هندوستان و آسیای مرکزی و قفقاز بود و شاهد هم‌زمانی این شکست‌ها با پیروزی در به قدرت رسیدن دولت شیعی مذهب در عراق بود، نه‌تنها همین‌ا تحولات را ناشی از موفقیت ژئوپولیتیک هلال شیعی مورد بحث سران اسرائیل و اردن و مصر دانست، بلکه به‌شدت از طرح آن استقبال کرد و به سرعت به محور طراحان این فرضیه پیوست. در همین راستا عربستان سعودی

اقدامات گسترده‌ای را آغاز کرد برای پایان دادن به نفوذ ایران در خلیج فارس، قدرت اکثریت شیعی در عراق و تغییر رژیم یعنی بشار اسد در سوریه. به این ترتیب تحولات ژئوپولیتیکی خاورمیانه در سال‌های نخستین قرن بیست و یکم سمت و سویی را هدف گرفته است که می‌رود به مقابله علنی بازیگران بازی ژئوپولیتیکی در منطقه بینجامد.

مرجع‌های ژئوپولیتیک در خاورمیانه کنونی

جهت‌گیری‌های سیاسی جدید، سبب تحول بزرگی در شکل‌گیری‌های ژئوپولیتیکی خاورمیانه دهه اول قرن بیست و یکم شد: از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ سران کشورهای عربی چون مصر (دوران حسنی مبارک) و اردن و عربستان سعودی زیر نظر و حمایت ایالات متحده آمریکا، وارد تصمیم‌گیری‌هایی با سران اسرائیل شدند برای واقعیت دادن به اتحاد ناوشته‌ای در برابر اتحاد ناوشته دیگری انسان فرض کردند از قبل میان جمهوری اسلامی ایران و سوریه و حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی مانند حماس به وجود آمده بود.

به گفته دیگر، اگرچه گروه کشورهای مخالف سیاست‌های خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران نتوانسته‌اند واقعیت داشتن ژئوپولیتیک شیعه را به اثبات رسانند، ولی درگیری آنها در کشمکش‌های ناشی از استراتژی ختنی‌سازی ژئوپولیتیک شیعه فرضی خود آنان شرایطی را در منطقه خاورمیانه سبب شد که منجر به واقعیت یافتن اشکال جدید ژئوپولیتیکی در این منطقه شده است. در این اشکال ژئوپولیتیک جدید در مقابل مرجع ژئوپولیتیک فرضی ایران-عراق-سوریه-لبنان با برخورداری از حمایت روسیه و چین، مرجع جدیدی خودنمایی کرده است مرکب از اسرائیل- عربستان سعودی- اردن و ترکیه با برخورداری از حمایت ایران-عراق-سوریه-لبنان با برخورداری از حمایت روسیه و چین، مرجع جدیدی خودنمایی کرده است مرکب از اسرائیل- عربستان سعودی- اردن و ترکیه با برخورداری از حمایت ایران-عراق-سوریه-لبنان با برخورداری از حمایت روسیه و چین مانع از هر گونه استفاده استراتژیک غرب از شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه حکومت سوریه شدند، عربستان سعودی اقدامات گسترده‌ای را آغاز کرد برای پایان دادن به نفوذ ایران در خلیج فارس و از قدرت انداختن اکثریت شیعی در عراق و تغییر رژیم یعنی بشار اسد در سوریه.

به این ترتیب و با دخالت مستقیم عربستان سعودی و ترکیه در امور داخلی سوریه در برابر حمایت‌های پایدار ایران و روسیه و چین از رژیم اسد در آن کشور، همچنین با وارد شدن ترکیه به جای اردن که به دلایل آشکار ملاحظات امنیتی خود ترجیح می‌دهد در مسایل سوریه جانب احتیاط را رعایت کند چنان‌که اسرائیل به ملاحظه عدم تحریک همه عرب‌ها علیه خود و مرجع ژئوپولیتیکی غربی، ترجیح می‌دهد وارد جنجال‌های تبلیغاتی غربی علیه رژیم سوریه نشود؛ دو مرجع ژئوپولیتیکی در منطقه به وجود آمد به صورت زیر:

۱- مرجع ژئوپولیتیکی مرکب از ایران، سوریه، روسیه و چین

۲- عربستان سعودی، ترکیه، اسرائیل و ایالات متحده آمریکا

این وضعیت به‌صورتی درآمده است که در یک سال اخیر سوریه تبدیل به میدان برخورد این دو مرجع ژئوپولیتیکی شد و تحولات ژئوپولیتیکی خاورمیانه در سال‌های نخستین دهه دوم قرن بیستم یک سمت و سویی بس خطرناک را هدف گرفته شد که می‌تواند منجر به

برخوردهای گسترده منطقه‌ای و حتی جهانی شود.

آیا میانجیگری سازمان ملل متحد اثر خواهد داشت؟

پاسخ به این سوال بسیار دشوار به نظر می‌رسد. سازمان ملل متحد در این راه از بزرگ‌ترین و موثرترین شخصیت خود، یعنی کوفی عنان استفاده کرده و نتیجه‌ای به دست نیاورده است. شخصیتی که برای جانشینی عنان در نظر گرفته می‌شود، اگرچه مجرب، خوش سابقه، آرام و متشخص است، ولی از والر ممتاز کوفی عنان در صحنه‌های سیاسی جهانی برخوردار نیست. این شخص در غرب به نام «لخدر براهمی» شناخته می‌شود و من گمان می‌کنم این عنوان را وی برای آن‌سان تر کردن تلفظ‌نلش در غرب به کار می‌گیرد. من او را از آنجایی می‌شناسم که هر دو عضو کنفرانس بین‌المللی دایمی حقوق‌بشردستانه هستیم و در اجلاس سال ۲۰۰۷ این کنفرانس در استانبول با هم آشنا شدیم. او از الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز

بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر خارجه آن کشور بود. لخدرا براهیمی که ۷۸ سال دارد، سن‌های زیادی را به عنوان «trouble shooter = مشکل‌ساز بین‌المللی در خدمت سازمان ملل بوده است. او در مسایل بروزکرده در آفریقای جنوبی و هابیتی نقش میانجی را داشته و به موفقیت‌هایی رسید. براهیمی در دو نوبت از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در الجزایر است و نام واقعی‌اش الاخرض الابراهیمی است و در سال‌های میان ۱۹۹